



حقوق مدنی ۷

عقود معین: قسمت «ب»

سید احمد علی هاشمی
ابراهیم تقی زاده
محسن آقاسی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
زمستان ۱۳۹۷

هاشمی، سیداحمدعلی، ۱۳۵۴ -

[ایران، قوانین، احکام]

حقوق مدنی ۷/ سیداحمدعلی هاشمی، ابراهیم تقی‌زاده، محسن آقاسی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰.

ج. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۴۴۴: حقوق؛ ۴۰)

بها: ۱۹۰۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-298-187-5 (ج ۲)

ISBN: 978-600-298-188-2 (دوره)

فهرست‌نویسی براساس جلد دوم (۱۳۹۶) فیفا.

کتابنامه.

نمایه.

مندرجات: ج. ۲: عقود معین قسمت «ب».

۱. حقوق مدنی - ایران. ۲. عقود و ایقاعات (فقه) - ایران. ۳. قراردادها - ایران. الف. تقی‌زاده، ابراهیم، ۱۳۴۸ -
ب. آقاسی، محسن، ۱۳۶۳ - ج. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. د. عنوان. ه. عنوان: عقود معین: قسمت «ب».

۳۴۶/ ۵۵

ی ۱۳۰۰ ۷۲ ح ۵۰۰ KMH

شماره کتابشناسی ملی

۵۰۴۵۵۹۸



حقوق مدنی ۷: عقود معین: قسمت «ب»

مؤلفان: سیداحمدعلی هاشمی (استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور)، ابراهیم تقی‌زاده (دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور)، محسن آقاسی (مربی و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۷

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۱۹۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۳۲۱۱۱۱۰۰ - ۰۲۵ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰.

ص.ب. ۳۱۵۱ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

فروش اینترنتی: www.ketab.ir/rihu

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنایه داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه السلام بنیانگذار جمهوری اسلامی زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان کتاب درسی مقطع کارشناسی حقوق قابل استفاده است.
از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای
اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز
جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می داند از تلاش های مؤلفان محترم اثر آقایان دکتر سیداحمد علی
هاشمی، دکتر ابراهیم تقی زاده و محسن آقاسی و ارزیابان محترم آقایان دکتر علی محمد حکیمیان
و دکتر حسین قافی سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۳	فصل اول: عقود وثیقه‌ای
۳	مبحث اول: عقد ضمان
۴	گفتار اول: معنا و مفهوم ضمان
۴	بند اول: مفهوم لغوی ضمان در پرتو معنای فقهی آن
۴	الف) نظریه ضمّ ذمه‌به‌ذمه
۵	ب) نظریه نقل ذمه‌به‌ذمه
۵	بند دوم: تعریف عقد ضمان در قانون مدنی
۶	الف) تحقق ضمّ ذمه‌به‌ذمه
۶	ب) تحقق یافتن نقل ذمه‌به‌ذمه
۶	ج) مستقل بودن نهاد ضمان
۷	بند سوم: ماهیت ضمان
۷	الف) نظریه عقدی
۷	ب) نظریه ایقاع یا تعهد یک‌جانبه
۸	گفتار دوم: شرایط عمومی موضوع عقد ضمان
۸	بند اول: معلوم و معین بودن موضوع عقد ضمان
۱۰	بند دوم: مشروع بودن موضوع عقد ضمان
۱۰	گفتار سوم: شرایط اختصاصی موضوع عقد ضمان
۱۰	بند اول: دین بودن موضوع عقد ضمان
۱۰	الف) موجود بودن دین
۱۱	ب) وضع حقوقی ضمان از دین معلق
۱۲	ج) وضع حقوقی ضمان از دیون آینده
۱۳	د) ضمان از دیونی که سبب آنها ایجاد شده است

۱۳	 (ه) وضع حقوقی ضمان از دیون طبیعی
۱۴	 بند دوم: ضمان عهده
۱۵	 گفتار چهارم: آثار و احکام ضمان
۱۵	 بند اول: اثر ضمان میان ضامن و مضمون له
۱۶	 الف) نقل ذمه
۱۶	 ب) عدم فسخ
۱۷	 ج) ضمان به مال معین
۱۷	 بند دوم: اثر ضمان بین ضامنین
۱۸	 الف) تسهیم و تساوی
۱۸	 ب) ضمانت با قید شمول همه دین
۱۸	 ج) ضمان تضامنی
۱۹	 بند سوم: اثر ضمان و مسئولیت مضمون عنه در مقابل ضامن
۱۹	 بند چهارم: ضمانت از ضامن (دور و ترامی)
۲۰	 بند پنجم: ضمان ما لم یجب
۲۲	 بند ششم: خیاری در ضمان
۲۲	 بند هفتم: ضمان مؤجل از دین حال و بالعکس
۲۳	 بند هشتم: تضمین های دین پس از ضمان
۲۴	 مبحث دوم: عقد حواله
۲۴	 گفتار اول: تعریف و ماهیت عقد حواله
۲۴	 بند اول: تعریف عقد حواله
۲۵	 بند دوم: ماهیت عقد حواله
۲۶	 گفتار دوم: شرایط تحقق عقد حواله
۲۷	 بند اول: اهلیت اطراف عقد
۲۷	 بند دوم: قصد و رضای طرفین حواله
۲۷	 الف) رضایت محیل
۲۷	 ب) رضایت محال علیه
۲۸	 بند سوم: مدیون بودن محیل
۲۸	 بند چهارم: مدیون بودن محال علیه به محیل
۲۹	 بند پنجم: دین بودن موضوع حواله
۲۹	 بند ششم: معین و معلوم بودن موضوع
۲۹	 بند هفتم: وحدت دیون
۳۰	 بند هشتم: اشتغال ذمه محیل به محتال
۳۰	 بند نهم: کلی بودن موضوع تعهد محیل
۳۰	 بند دهم: نبودن قصد انتفاع

۳۱	گفتار سوم: اوصاف حقوقی عقد حواله
۳۱	الف) حواله، عقد است
۳۲	ب) حواله، عقدی معوض است
۳۳	ج) حواله، عقد معلق است
۳۳	د) حواله، عقد مسامحی است
۳۴	ه) حواله، عقدی لازم است
۳۴	و) حواله، عقدی رضائی است
۳۴	ز) حواله، عقدی تبّعی است
۳۴	گفتار چهارم: اقسام عقد حواله
۳۴	بند اول: حواله به جنس و غیر جنس
۳۵	بند دوم: حواله حال و مؤجل
۳۶	بند سوم: حواله به شرط برائت محیل و حواله به شرط عدم برائت محیل
۳۷	بند چهارم: حواله بر «بریء»
۳۷	بند پنجم: حواله مکرر
۳۷	بند ششم: حواله با تعدد محیل یا تعدد محتال یا تعدد محال علیه
۳۸	بند هفتم: حواله به عمل یا دین خاص
۳۸	بند هشتم: حواله مطلق و مقید
۳۹	بند نهم: حواله دور و ترامی
۴۰	گفتار پنجم: آثار عقد حواله
۴۰	بند اول: نقل ذمه از محیل به محال علیه
۴۱	بند دوم: آثار حواله در زمان میان قبول محتال و قبول محال علیه
۴۲	بند سوم: آثار حواله پس از قبول محال علیه
۴۲	بند چهارم: اثر حواله در رابطه محتال و محال علیه
۴۴	گفتار ششم: انحلال عقد حواله
۴۵	بند اول: فسخ عقد حواله
۴۵	الف) فسخ در صورت اعسار محال علیه
۴۷	ب) فسخ دربارهٔ خيار فسخ
۴۷	بند دوم: انفساخ عقد حواله
۴۷	بند سوم: اقاله عقد حواله
۴۸	بند چهارم: بطلان حواله
۴۹	الف) اثر بطلان بیع
۵۰	ب) اثر فسخ بیع در حواله
۵۱	مبحث سوم: عقد کفالت
۵۲	گفتار اول: تعریف و ماهیت حقوقی عقد کفالت

۵۲	بند اول: تعریف كفالت
۵۳	بند دوم: ماهیت حقوقی عقد كفالت
۵۴	گفتار دوم: شرایط صحت عقد كفالت
۵۴	بند اول: اهلیت طرفین
۵۵	بند دوم: مشخص بودن ثالث
۵۵	بند سوم: معلوم بودن موضوع كفالت
۵۵	بند چهارم: ملائمت كفیل
۵۶	گفتار سوم: اوصاف عقد كفالت
۵۶	بند اول: عقد كفالت مبتنی بر مسامحه است
۵۶	بند دوم: عقد كفالت عقد لازم است
۵۷	بند سوم: تبعی بودن عقد كفالت
۵۷	بند چهارم: عهدهی بودن عقد كفالت
۵۸	بند پنجم: رضائی بودن عقد كفالت
۵۸	گفتار چهارم: اقسام عقد كفالت
۵۸	بند اول: عقد كفالت حال و مؤجل
۵۹	بند دوم: كفالت مطلق و موقت
۵۹	بند سوم: كفالت عقدی و قهری
۶۲	گفتار پنجم: وجوه افتراق و اشتراك كفالت در امور کیفری و مدنی
۶۳	گفتار ششم: تعدد كفیل و مكفول لهم
۶۳	بند اول: تعدد كفیل
۶۴	بند دوم: تعدد مكفول لهم
۶۴	گفتار هفتم: تعهدات كفیل
۶۴	بند اول: احضار مكفول
۶۵	بند دوم: ضمانت اجرای تعهد كفیل
۶۵	الف) حبس كفیل
۶۶	ب) پرداخت دین
۶۷	ج) پرداخت وجه التزام
۶۹	گفتار هشتم: رجوع و برائت كفیل
۶۹	بند اول: مراجعه كفیل به مكفول
۶۹	بند دوم: موارد برائت كفیل
۷۰	مبحث چهارم: رهن
۷۱	گفتار اول: کلیات
۷۱	بند اول: تعریف رهن
۷۲	بند دوم: شرایط عمومی رهن

۷۲	الف) لزوم ایجاب و قبول
۷۳	ب) قبض مال مرهون
۷۵	بند سوم: شرایط مورد رهن
۷۶	الف) معین و معلوم بودن مورد رهن
۷۶	ب) عین بودن مورد رهن
۷۸	ج) قابل نقل و انتقال بودن مورد رهن
۷۹	د) مملوک بودن مال رهن
۷۹	گفتار دوم: ویژگی‌های عقد رهن
۷۹	بند اول: عقد تبعی
۸۰	بند دوم: عقد عینی
۸۰	بند سوم: لزوم
۸۱	بند چهارم: تشریفات نبودن عقد رهن
۸۱	گفتار سوم: شرایط موضوع عقد رهن
۸۱	بند اول: مالیت داشتن دین
۸۲	بند دوم: در ذمه بودن دین
۸۲	بند سوم: وجود دین پیش از رهن
۸۴	بند چهارم: امکان استیفاء دین با فروش مال مرهون
۸۴	گفتار چهارم: صورت‌های مختلف رهن
۸۴	بند اول: راهن واحد در مقابل مرتهن متعدد
۸۶	بند دوم: راهن متعدد در مقابل مرتهن واحد
۸۷	بند سوم: تعدد دیون
۸۷	بند چهارم: رهن مکرر
۸۹	بند پنجم: رهن قهری بدل مال مرهون
۹۰	بند ششم: رهن مال مشاع
۹۱	بند هفتم: رهن دادن مال غیر
۹۲	بند هشتم: رهن فضولی
۹۲	بند نهم: رهن مال فاسدشدنی (استهلاکی)
۹۳	بند دهم: رهن مبیع شرطی
۹۴	گفتار پنجم: شرایط ضمن عقد رهن
۹۵	بند اول: شرط وکالت برای فروش مال مرهون
۹۶	بند دوم: شرط تعلق تا تملیک مورد رهن به مرتهن
۹۷	بند سوم: شرط سلب حق فروش از مرتهن
۹۸	بند چهارم: شرط تعلق منافع رهن به مرتهن
۹۸	بند پنجم: شرط وکالت وارث مرتهن

۹۹	گفتار ششم: آثار و احکام رهن
۹۹	بند اول: آثار رهن در روابط طرفین
۹۹	الف) حقوق و تکالیف راهن
۱۰۴	ب) حقوق و تکالیف مرتهن
۱۰۶	بند دوم: آثار رهن نسبت به اشخاص ثالث
۱۰۶	الف) حق الرهانه (رجحان طلب مرتهن)
۱۰۷	ب) حق تعقیب
۱۱۱	فصل دوم: عقود اذنی
۱۱۱	مبحث اول: عقد ودیعه
۱۱۲	گفتار اول: شناخت عقد
۱۱۲	بند اول: تعریف ودیعه
۱۱۳	بند دوم: ودیعه از نظر فقها
۱۱۴	گفتار دوم: اوصاف عقد ودیعه
۱۱۴	بند اول: ودیعه عقدی، اذنی است
۱۱۵	بند دوم: ودیعه، عقد است
۱۱۵	بند سوم: ودیعه، عقدی جایز است
۱۱۷	بند چهارم: ودیعه، عقدی غیر معوض است
۱۱۹	بند پنجم: ودیعه، عقدی رضائی است
۱۲۰	بند ششم: ودیعه، عقدی عهدی است
۱۲۱	گفتار سوم: ارکان عقد ودیعه
۱۲۱	بند اول: ایجاب و قبول و اثر قبض
۱۲۲	بند دوم: اهلیت طرفین
۱۲۴	گفتار چهارم: انحلال ودیعه
۱۲۶	گفتار پنجم: شرطهای ضمن عقد ودیعه
۱۲۶	بند اول: شرط عدم ضمان امین
۱۲۷	بند دوم: شرط ضمان امین
۱۲۷	الف) نظریه بطلان شرط و مبطل بودن آن
۱۲۸	ب) نظریه بطلان شرط
۱۲۸	ج) نظریه صحت شرط و عقد
۱۳۰	گفتار ششم: تعهدات و وظایف مستودع یا امین
۱۳۰	بند اول: تعهد بر حفاظت از مال
۱۳۳	بند دوم: رد مال مورد امانت
۱۳۵	الف) مال ودیعه به چه کسی باید مسترد شود؟

۱۴۰	گفتار هفتم: تعهدات و وظایف مودّع یا امانت‌گذار
۱۴۱	بند اول: قاعده لزوم جبران خسارت امین
۱۴۲	بند دوم: پذیرفتن مال امانی
۱۴۳	بند سوم: پرداخت هزینه حفظ و رد مال
۱۴۳	الف) پرداخت هزینه نگهداری مال
۱۴۳	ب) پرداخت هزینه‌های تحویل مال به امین و استرداد مال از امین
۱۴۴	ج) پرداخت خسارات ناشی از عیب مال
۱۴۵	گفتار هشتم: اقسام امانت
۱۴۵	بند اول: امانت قانونی (شرعی)
۱۴۶	بند دوم: امانت مالکانه
۱۴۷	مبحث دوم: عقد عاریه
۱۴۸	گفتار اول: تمییز عاریه از دیگر عقود
۱۴۸	بند اول: اجاره و عاریه
۱۴۸	بند دوم: عاریه و حق انتفاع
۱۴۸	بند سوم: قرض و عاریه
۱۴۸	بند چهارم: عاریه و اباحه انتفاع
۱۴۹	گفتار دوم: خصوصیات عاریه
۱۴۹	بند اول: عاریه عقد جایز است
۱۵۰	بند دوم: عاریه عقدی بلاعوض و مجانی است
۱۵۰	بند سوم: عاریه عقدی رضائی است
۱۵۰	بند چهارم: عاریه عقدی عهدی است
۱۵۰	گفتار سوم: شرایط انعقاد عاریه
۱۵۱	بند اول: شرایط عمومی
۱۵۱	بند دوم: شرایط اختصاصی
۱۵۱	الف) معیر باید مالک منافع مورد عاریه باشد
۱۵۱	ب) قابلیت بقای موضوع عاریه
۱۵۲	ج) منفعت مورد عاریه باید مشروع و عقلایی باشد
۱۵۲	د) منفعت مورد عاریه باید معلوم و معین باشد
۱۵۳	گفتار چهارم: حقوق و تکالیف مستعیر
۱۵۳	بند اول: انتفاع متعارف
۱۵۴	ب) شرط ضمان برای مستعیر
۱۵۵	ج) رد مورد عاریه
۱۵۶	د) پرداخت مخارج انتفاع
۱۵۶	ه) عاریه ندادن به غیر

۱۵۶	مبحث سوم: عقد وکالت
۱۵۶	گفتار اول: کلیات
۱۵۶	بند اول: تعریف عقد وکالت
۱۵۷	بند دوم: قلمرو موضوع عقد وکالت
۱۵۸	الف) موضوع عقد وکالت تنها عمل حقوقی است
۱۵۸	ب) موضوع عقد وکالت اعم از عمل حقوقی و مادی است
۱۵۹	بند سوم: تعیین محدوده اصیل و وکیل
۱۵۹	گفتار دوم: شرایط صحت وکالت
۱۶۰	بند اول: اهلیت طرفین
۱۶۰	بند دوم: وجود حق
۱۶۱	بند سوم: قابل وکالت بودن حق
۱۶۱	بند چهارم: معلوم بودن مورد وکالت
۱۶۲	گفتار سوم: اوصاف عقد وکالت
۱۶۲	بند اول: وکالت، عقد است
۱۶۵	بند دوم: وکالت، یک عقد مجانی و غیر معوض است
۱۶۵	بند سوم: وکالت، یک عقد جایز است
۱۶۷	بند چهارم: توانایی انجام دادن کار از سوی موکل
۱۶۸	گفتار چهارم: اقسام وکالت
۱۶۸	بند اول: وکالت مطلق
۱۶۹	بند دوم: وکالت مقید
۱۶۹	گفتار پنجم: شرایط وکیل و موکل
۱۶۹	بند اول: شرایط موکل
۱۷۱	بند دوم: اهلیت وکیل
۱۷۳	بند سوم: وکالت فضولی
۱۷۶	گفتار ششم: تعهدات و مسئولیت‌های وکیل
۱۷۶	بند اول: تعهدات وکیل
۱۷۶	الف) رعایت مصلحت و غبطه موکل
۱۷۸	ب) استرداد اموال
۱۷۸	ج) رعایت حدود وکالت
۱۸۳	د) پس دادن حساب به موکل
۱۸۳	ه) مباشرت در وکالت
۱۸۴	و) معامله با خود وکیل
۱۸۶	بند دوم: مسئولیت‌های وکیل
۱۸۶	الف) تقصیر وکیل

۱۸۷	 (ب) تخلف وکیل
۱۸۸	 (ج) مسئولیت وکیل و ثالث
۱۹۱	 بند سوم: تعهدات موکل
۱۹۱	 (الف) اجرای تعهدات ناشی از معامله وکیل
۱۹۲	 (ب) معاملات معارض
۱۹۴	 (ج) پرداخت هزینه‌های اجرایی مورد وکالت
۱۹۵	 (د) پرداخت حق الوکاله
۱۹۶	 گفتار هفتم: انحلال وکالت
۱۹۶	 بند اول: رفع وکالت به عزل وکیل از سوی موکل
۱۹۶	 (الف) وکالت بلاعزل
۱۹۹	 (ب) لزوم اطلاع وکیل و سردفتر از عزل وکیل
۲۰۰	 بند دوم: رفع وکالت به استعفای وکیل
۲۰۱	 بند سوم: انتقای وکالت به فوت یا حجر وکیل یا موکل
۲۰۱	 (الف) فوت موکل یا وکیل
۲۰۲	 (ب) جنون موکل یا وکیل
۲۰۳	 (ج) حجر موکل یا وکیل
۲۰۳	 بند چهارم: از میان رفتن مورد وکالت
۲۰۴	 بند پنجم: انجام مورد وکالت از سوی موکل
۲۰۵	 بند ششم: انقضای مدت وکالت
۲۰۷	 فصل سوم: عقود مشارکتی
۲۰۷	 مبحث اول: شرکت
۲۰۸	 گفتار اول: معنای شرکت در مال مشاع
۲۰۸	 بند اول: تعریف مال مشاع
۲۰۹	 بند دوم: موضوع شرکت
۲۰۹	 بند سوم: اسباب تحقق شرکت
۲۱۰	 بند چهارم: احکام مال مشاع
۲۱۰	 (الف) تصرفات شرکا در مال مشاع
۲۱۴	 (ب) منافع مال مشاع
۲۱۵	 (ج) وضع حقوقی طلب مشترک
۲۱۶	 (د) خلع ید از مال مشاع
۲۱۷	 گفتار دوم: شرکت عقدی
۲۱۸	 بند اول: تعریف و انعقاد عقد شرکت
۲۱۸	 (الف) شرکت عنان

۲۱۹	 (ب) شرکت ابدان
۲۱۹	 (ج) شرکت وجوه
۲۱۹	 (د) شرکت مفاوضه
۲۲۰	 بند دوم: شرایط انعقاد عقد شرکت
۲۲۰	 بند سوم: خصایص عقد شرکت
۲۲۰	 الف) عقد شرکت عقدی جایز است
۲۲۱	 (ب) امانی بودن ید شریک
۲۲۱	 (ج) تصرفات شرکا
۲۲۲	 (د) شخصیت حقوقی نداشتن شرکت مدنی
۲۲۳	 (ه) تقسیم سود در شرکت مدنی
۲۲۳	 بند چهارم: اداره شرکت
۲۲۴	 الف) شرکا اداره شرکت را به مدیر یا مدیرانی واگذار نکرده‌اند
۲۲۴	 ب) شرکا اداره شرکت را به مدیر یا مدیرانی واگذار کرده‌اند
۲۲۸	 بند پنجم: تقسیم مال مشترک
۲۲۸	 الف) به اعتبار رضایت یا عدم رضایت شرکا در تقسیم مال مشاع
۲۳۲	 ب) تقسیم به اعتبار نحوه تقسیم
۲۳۳	 مبحث دوم: مضاربه
۲۳۴	 گفتار اول: تعریف عقد مضاربه
۲۳۴	 گفتار دوم: ارکان عقد مضاربه
۲۳۴	 بند اول: سرمایه
۲۳۵	 الف) نقد بودن سرمایه
۲۳۶	 ب) معین و معلوم بودن سرمایه
۲۳۶	 بند دوم: کار عامل
۲۳۷	 بند سوم: سود
۲۳۷	 مبحث سوم: مزارعه
۲۳۸	 گفتار اول: شناخت عقد مزارعه
۲۳۸	 بند اول: مزارعه در لغت
۲۳۸	 بند دوم: مزارعه در اصطلاح
۲۳۹	 بند سوم: شباهت مزارعه به اجاره
۲۴۰	 گفتار دوم: شرایط عمومی و اختصاصی مزارعه
۲۴۰	 بند اول: شرایط عمومی
۲۴۰	 الف) ایجاب و قبول
۲۴۱	 ب) اهلیت متعاملین
۲۴۱	 بند دوم: شرایط اختصاصی مزارعه

۲۴۱	الف) زمین
۲۴۱	ب) تملیکی بودن عقد مزارعه
۲۴۲	ج) تقسیم محصول به صورت کسر مشاع
۲۴۳	د) تعیین مدت
۲۴۳	ه) تعیین مخارج
۲۴۴	و) تعیین نوع زراعت
۲۴۴	گفتار سوم: احکام مزارعه
۲۴۴	بند اول: کوتاهی کشاورز در امور زراعی
۲۴۴	بند دوم: شرط ضمن عقد در مزارعه
۲۴۵	بند سوم: فوت یکی از طرفین عقد
۲۴۵	بند چهارم: انقضای مدت در مزارعه
۲۴۵	الف) تکلیف زارع به رد زمین
۲۴۶	ب) انقضای مدت و عدم کشت و زرع در زمین
۲۴۷	ج) انقضای مدت و نرسیدن زرع
۲۴۹	مبحث چهارم: عقد مساقات
۲۴۹	گفتار اول: تعریف مساقات و تمیز آن از عقود مشابه
۲۴۹	بند اول: تعریف مساقات
۲۴۹	بند دوم: تفاوت مساقات با دیگر عقود مشابه
۲۴۹	الف) تفاوت مساقات با مزارعه
۲۵۰	ب) تفاوت مساقات با مغارسه
۲۵۰	گفتار دوم: شرایط صحت عقد مساقات
۲۵۰	بند اول: مدت مساقات
۲۵۰	بند دوم: موضوع مساقات
۲۵۱	بند سوم: لزوم مشخص بودن کارها در مساقات
۲۵۱	گفتار سوم: فسخ یا بطلان مساقات
۲۵۳	فصل چهارم: سایر عقود
۲۵۳	مبحث اول: عقد هبه
۲۵۳	گفتار اول: شناخت هبه
۲۵۳	بند اول: تعریف هبه
۲۵۴	بند دوم: شناخت کلی هبه
۲۵۴	گفتار دوم: شناسایی طرفین عقد هبه
۲۵۴	بند اول: واهب
۲۵۵	بند دوم: متهب

۲۵۵	گفتار سوم: عین موهبه و شرط عوض
۲۵۵	بند اول: عین موهبه
۲۵۶	الف) قابلیت قبض
۲۵۶	ب) معین بودن مورد هبه
۲۵۶	ج) معلوم بودن مورد هبه
۲۵۷	بند دوم: شرط عوض در هبه
۲۵۷	گفتار چهارم: قبض در عقد هبه
۲۵۸	بند سوم: فوت طرفین عقد هبه و تأثیر آن در قبض
۲۵۸	گفتار پنجم: جواز عقد هبه
۲۵۹	الف) قابلیت رجوع نداشتن به دلیل خویشاوندی
۲۵۹	ب) قابلیت رجوع نداشتن در هبه معوض
۲۶۰	ج) قابلیت رجوع نداشتن به لحاظ خروج از ملکیت متَّهب
۲۶۱	د) قابلیت رجوع نداشتن به لحاظ تغییر در عین موهوبه
۲۶۲	ه) شرط حق رجوع در عقد هبه
۲۶۲	و) استفاده از حق فسخ به جای حق رجوع
۲۶۳	مبحث دوم: سبق و رمایه
۲۶۳	گفتار اول: تعریف‌ها
۲۶۳	بند اول: مفهوم و تعریف مسابقه
۲۶۴	بند دوم: دیگر ورزش‌ها
۲۶۷	منابع و مأخذ
۲۷۳	نمایه‌ها
۲۷۳	نمایه موضوعات
۲۷۸	نمایه مواد قانونی

مقدمه

در این تألیف در رابطه با تعدادی از «عقود معین» بحث می‌گردد. عقود معین، عقودی هستند که نام، تعریف، آثار و شرایط آنها در قانون مشخص شده‌اند، مانند بیع، اجاره و... در عقود معین، قالبی پیش‌ساخته از سوی قانون تعیین شده است که افراد، اراده خود را در آن قالب قرار می‌دهند؛ در مقابل، قراردادهای خصوصی موضوع ماده «۱۰» قانون مدنی هستند که افراد، شرایط و آثار قرارداد را خود تنظیم کرده و ساخته اراده افراد هستند.

در نتیجه، «عقد معین»، عقدی است که نام، آثار (حقوق و تعهدات طرفین عقد)، اوصاف و شرایط (از انعقاد تا انحلال) آن در قانون ذکر شده باشد، بنابراین لازم نیست همه موارد در عقد ذکر شوند و سکوت طرفین، به معنای پذیرش آن چیزی است که در قانون آمده است. پس، اگر افراد، بر امری توافقی داشتند، نخست براساس آنچه ذکر شده، عمل خواهد شد و اگر ذکر نشد، به معنای پذیرش شرایط مقنن است. عقود معین را می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد:

– عقود تملیکی، عقودی هستند که جنبه تملیک دارند، گاه، تملیک عین است، مثل «بیع» و گاه، تملیک منفعت است، مثل «اجاره» و گاه، تملیک حق انتفاع است، مثل «غمری» و «رُقبی». و شاید بتوان با مسامحه «عقد نکاح» را هم در زمره این دسته از عقود دانست که در آن تملیک بضع صورت می‌پذیرد.

– عقود اذنی، عقودی هستند که مبنای عقد بر اذن استوار است و اذن، یعنی ازاله مانع کردن حال. این اذن می‌تواند اذن در امانت باشد؛ مثل «عقد ودیعه» یا اذن در نیابت باشد؛ مثل «عقد وکالت» یا «عقد عاریه» باشد که مفید اذن در انتفاع است، چیزی که عاریه داده شده به دارایی فرد نمی‌افزاید، بلکه انتفاع بردن از آن مال را مجاز می‌گرداند و اذن مالک، باعث می‌شود که انتفاع

ممنوع، مجاز گردد، یا اذن در «ودیعه» و اذن در «وکالت»، که وجود و آثاری مشترک دارند، ولی در هر کدام، اثر و خصوصیت ویژه‌ای وجود دارد.

– **عقود وثیقه‌ای**، اینها عقودی هستند که به صورت «وثیقه» و دین عمل می‌کنند. گاه فردی، طلبکار عادی است و گاه وثیقه دارد. این وثیقه، گاه عین مال است و گاه، ذمه و اعتبار شخصی است. عقود و معاملات وثیقه‌ای، امروزه بخش عمده‌ای از معاملات را تشکیل می‌دهند که عبارت‌اند از: «معاملات وثیقه عینی» که این عقود در قانون به مانند عقد «رهن» یا «معامله با حق استرداد» آمده‌اند و «معاملات وثیقه ذمی» یا «شخصی» که در «سه» عقد «ضمان»، «حواله» و «کفالت» خلاصه می‌شوند.

– **عقود مشارکتی**، گاه، اشخاص به فکر افزایش سرمایه می‌افتند که ممکن است وجه نقد، یا اموال دیگر باشد. برای افزایش وجه نقد، «عقد مضاربه» کارگشاست. در این عقد، سرمایه‌گذار، وجه نقد را به عامل می‌دهد و در سود و ضرر، یا تنها در سود، شریک می‌شود. گاه این مشارکت، در وجه نقد نیست، برای مثال در زمین زراعتی، یا در باغ است. این عقود، شامل عقود «شرکت»، «مضاربه»، «مزارعه»، و «مساقات» هستند.

– **«هبات»**؛ و منظور، عقود بلاعوض و مجانی یا رایگان است که موضوع عقد واقع می‌شوند، برخلاف عقود معوض که دو عوض دارد، در این عقود یک عوض مبنای توافق و عقد واقع شده است (هرچند ممکن است به عنوان شرط ضمن عقد به عنوان تعهد فرعی طرف مقابل نیز ملزم به تسلیم عوض باشد). بارزترین عقد در این مورد، هبه است ولی موارد مشابه آن، شامل «صلح بلاعوض» و «وقف» است.

در مباحث این کتاب، دسته‌ای از عقود که در سرفصل‌های عقود معین «۲» قرار دارند، مطالعه می‌شوند که عبارت‌اند از: «رهن»، «ضمان»، «حواله»، «کفالت»، «عاریه»، «ودیعه»، «وکالت»، «شرکت»، «مضاربه»، «مزارعه»، «مساقات»، «هبه» و «گرویندی». امید است این گردآوری، برای دانشجویان و علاقه‌مندان علم حقوق، سودمند باشد.

سیداحمدعلی هاشمی

ابراهیم تقی‌زاده

محسن آقاسی